

انقلاب مصر، پرده دوم

آلن گرش

ترجمه بهروز عارفی

چهارشنبه، 23 نوامبر 2011، تارنامه لوموند دیپلماتیک

بد بینی بر همه زبان ها جاری است. پس از بهار عربی، پائیز عربی فرا می رسد. ضد انقلاب در حرکت است و از نگاه گروهی، حتی انقلابی هم رخ نداده است. این احساس، بدون تردید آن چنان بارور است که تصور می شود که سرنگونی رژیم های مصر و تونس بسیار آسان انجام گرفته است و توهمی بیار آورده که گوئی دگرگونی ها نیز به سادگی صورت خواهند گرفت. به محض این که روند آهسته شد، فالگیران اعلام کردند که انقلاب شکست خورده است. در حالی که تاریخ همه انقلاب ها، از انقلاب انگلستان تا فرانسه، از انقلاب بلشویک تا انقلاب الجزایر نشان می دهد که دگرگونی به زمان، به نیرو و اغلب به درگیری های خشونت بار نیاز دارد. طبقات مسلط به ندرت حاضر می شوند بدون مبارزه دست از حاکمیت بردارند. اما، اگر ضد انقلاب یک واقعیت است، هیچ نشانه ای در دست نیست که ناگزیر به پیروزی برسد.

سقوط حسنی مبارک فقط نخستین مرحله بود که انتصاب دولتی جدید، سپس دستگیری رئیس جمهور و اعضای خانواده اش و آغاز محاکمه آنان را به دنبال داشت. شورای عالی نیروهای مسلح با تشکیل چنین دادگاهی موافق نبودند. خیابان تصمیم های دیگری را دیکته کرد از جمله انحلال حزب «دموکراتیک ملی» (حزب مبارک)، و سپس انتخاب رهبری جدید برای سندیکای رسمی.

اما مسئولان رژیم پیشین برای حفظ امتیازات خود، پا به پا در همه سطوح، می جنگند. کوبنده ترین مثال، کنترل رسانه های دولتی، روزنامه های رسمی و تلویزیون است (1). به رغم چند تغییر جزئی، این رسانه ها همچنان نقطه نظرهای شورای عالی نیروهای مسلح را پخش می کنند و باکی ندارند که دروغ و فریب را همچون دوران مبارک، چاشنی خبرها کنند. در هر موسسه و دانشگاهی، در هر اداره ای هنوز «مبارک کوچولوها» سر کارند، در حالی که آنان در فساد های مالی رژیم گذشته شریک بودند. در همه جا، اعتصاب ها و مبارزه ها برای تغییر مسئولان و نیز بهبود شرایط زندگی مزدبگیران ادامه دارد. به ویژه بسیج کارگران بود که انقلاب کنونی را تدارک دید. (2)

به موازات آن، انتخابات سندیکاهای گوناگون حرفه ای، دگرگونی های عمیقی در سازمان هائی که وزنه ای واقعی در جامعه شمرده می شوند، به بار آورد: ابتدا در سندیکای پزشکان، اخوان المسلمین ضمن حفظ اکثریت در سطح کشور، کنترل بخش هائی از مناطق را از دست دادند (3). آنان در انتخابات سندیکای معلمین پیروز شدند (هنوز نتیجه دقیق آن به دست ما نرسیده است)، اما ریاست سندیکای روزنامه نگاران و بویژه سندیکای قدرتمند وکلا را نیز از دست دادند. شرکت بالای رای دهندگان، که نشانه خواست اعضای این سندیکاهای و خود این سازمان ها برای ایفای نقشی رزمنده است، بیشتر از شکست های اخوان المسلمین (که گاهی نسبی بود) اهمیت دارد.

این فعالیت ها، نظیر اعتصاب ها و فعالیت های محلی علیه فساد یا علیه رهبران رژیم گذشته که هنوز مقام خود را حفظ کرده اند چنان چشمگیر نبود، و تا حدودی به خاطر بازی دستگاه های سیاسی، مباحثات پایان نیافتنی میان احزاب و نیروهای مسلح در مورد زمان انتخابات و محتوای قانون اساسی آینده و غیره از نظر ها پنهان ماندند.

بیش از هر چیزی، آن چه شورای عالی نیروهای مسلح (که در آغاز، دست کم دارای کمی اعتبار بود) از دست می دهد، حفظ سیاست سرکوبگرانه نسبت به مخالفان و به طور وسیع تر کل جمعیت است: هم چون گذشته دستگیری های خودکامه ادامه دارند، همین طور بد رفتاری و شکنجه؛ و دادگاه های نظامی غیرنظامیان را محاکمه می کنند؛ و با تحقیق در مورد شکنجه و نیز مرگ در زندان ها نیز همچنان مخالفت می شود. ادامه این رفتارها نه فقط باعث بی آبرویی ارتش در میان جوانان روشنفکر حاضر در صحنه از 25 ژانویه شده، بلکه همین طور در میان همه اقشار مردمی. شرکت فعال در درگیری های افراطی ها، گروه های هوادار باشگاه های فوتبال که نفرت شان یادآور نفرت جوانان حومه های فرانسه از نیروهای پلیس ضد جنایت در فرانسه بوده و شاهی است بر به ستوه آمدن عمومی در مقابل اقتدارگرایی و خودکامگی. (4). برای نمونه، وضعیت علاء عبدالفتاح، وبلاگر که به دلیل واهی دستگیر شد

افکار عمومی را تکان داد، به ویژه که نامه او از زندان، روشنائی بخش شرایط زندان هم بندان او و وضعیت ده ها هزار جوان شد که بیشترشان از اقتشار مردمی بوده و از هیچ امکائی که از آنان حفاظت کند، برخوردار نبودند. این خودکامگی و خشونت دیوانه وار هر سرکوبی - علیه تظاهرات قبطی ها در اکتبر و نیز علیه تظاهرکنندگان میدان تحریر، روز جمعه 18 نوامبر و روزهای پس از آن - (15) از عوامل تعیین کننده گسترش تظاهرات بود. به یاد بیاوریم که شعار «کرامت» موجب پیوند همه اقتشار جامعه بود، چه در مصر و چه در باقی جهان عرب.

از سوی دیگر، تصویب سند «فراتر از قانون اساسی»، که هدفش محدود کردن اکید مجلس تدوین قانون اساسی در آینده بود، با مخالفت هائی روبرو شد. از جمله در میان اخوان المسلمین که آن را ابزاری می دیدند، برای دور نگهداشتن آنان از اعمال واقعی قدرت. در واقع، این متن به ارتش امکان می داد تا هر تصمیم مجلس آینده را رد کرده و حتی آن را منحل کند. در این جا «نمونه ترکیه» را مطرح می کردند و البته نه مدل کنونی، بلکه نمونه سی سال پیش که ارتش «مراقب» قدرت غیر نظامی بود ... حقی که با اصلاحات ده سال اخیر از ارتش گرفته شد.

به این شکل، شورای عالی نیروهای مسلح اخوان المسلمین را به مخالفت علنی وا داشته و این سازمان همراه با نیروهای دیگر، به تظاهرات یک میلیون نفره در روز جمعه 18 نوامبر فراخواند: برای نخستین بار از بهار 2011، اخوان المسلمین به خیابان ها می ریختند. وسعت تظاهرات و سپس سرکوب وحشیانه آن موجب بروز حوادث کنونی شد، بسیجی که از چارچوب قاهره و اسکندریه بسیار فراتر رفت. امتناع اخوان المسلمین از شرکت در کارزار جدید، با وجود نکوهش روشن آنان نسبت به سرکوب، مویذ این است که آنان برای انطباق با وضع موجود پس از مبارک مشکل دارند و این امر بدون ایجاد تفرقه در میان آنان نیست. (6) واقعیت این است که هدف آنان در کوتاه مدت برگزاری انتخابات در 28 نوامبر است که عده بالای نمایندگان برای آنان را تضمین می کند.

هنوز مشکل است که نسبت به چگونگی تحولات این مرحله آگاهی یافت (7) آن چه حتمی است، این است که مصریان برخلاف خبر تحقیر آمیز روزنامه فیگارو (پاریس، 23 نوامبر 2011) در جستجوی «فرعون جدید» نیستند (8). شورای عالی نیروهای مسلح حاضر شدند تا در چند نکته کوتاه بیایند: پذیرش استعفای دولت، وعده انتخابات رئیس جمهوری پیش از پایان ماه ژوئن 2012، انتقال دولت به غیر نظامیان و اقدام به بررسی سرکوب. البته این دستاوردها، بسیار کم است و بسیار دیر... تظاهرات ادامه دارند، بسیج مردمی گسترده تر می گردد. مطلب نادری که شاهدش بودیم، فراخوان 250 دیپلمات شاغل مصری برای بازگشت حکومت به غیرنظامیان است.

انقلاب ادامه دارد.

عنوان اصلی مقاله:

Révolution égyptienne, acte II - 23 novembre 2011, par Alain Gresh

<http://blog.mondediplo.net/2011-11-23-Revolution-egyptienne-acte-II>

پاورقی ها:

1 - <http://www.monde-diplomatique.fr/2011/07/GRESH/20753>

2 - به مقاله ریشه های کارگری قیام در مصر مراجعه کنید:

<http://ir.mondediplo.com/article1662.html>

3 - <http://blog.mondediplo.net/2011-10-23-Echec-relatif-des-Freres-musulmans-aux-elections>

4 - http://www.lemonde.fr/afrique/article/2011/10/17/egypte-generation-ultras_1589030_3212.html

5 - <http://mondediplo.com/blogs/letter-from-cairo>

6 - Hany ElWaziry et Ghada Sherief, « *Discord within Brotherhood for not participating in demo* », *Al-Masry Al-Youm in English*, 22 novembre

7 - <http://www.arabist.net/blog/2011/11/22/tahrir-what-next.html>

8 - <http://www.lefigaro.fr/mon-figaro/2011/11/22/10001-20111122ARTFIG00703-l-egypte-cherche-son-nouveau-pharaon.php>